

دیگه توهین کردی...

- **پوریا عالمی:** توهين در حالت عادي وقتي صورت مي گيرد كه يك آدم غيرعادي در يك حالت غيرعادي به يك آدم عادي يك حرف غيرعادي بزند. مثلاً اگر پدر شما سر ظهر در حالت ناهار به شما بگويد اين چه وقت خانه آمدن است حيوان؟ به شما توهين کرده است. اما اگر پدر شما نيمه شب در حالت خواب به شما بگويد اين چه وقت خانه آمدن است حيوان؟ به حيوان توهين کرده است. چون پدر شما نگران شماست و از لحاظ علمي نيز حيوانات وقتي تاريك بشود مي روند لانه شان مي خوابند.
- توهين چطورى مى شود؟**
- حالا اگر يك نفر به شما بگويد حيوان، آيا توهين کرده است؟ و اگر توهين کرده است به چه كسى؟
- الف- به شما توهين شده است. چون حيوان نيستيد.
- ب- به حيوان توهين شده است. چون شما نيست.
- پ- به خودش توهين کرده است چون مشخص مى شود فرق شما و حيوان را نمى داند.
- ت- به ما توهين کرده است چون فكر مى كند ما فرق شما و حيوان را نمى دانيم.
- ث- اصلاً توهين نكرده است. بلكه سر صحبت را باز کرده است.

توضیح من هیں: حالا اگر با بعضی افراد شوخی کنی، می خندند، چون جنبه دارند. اما با بعضی افراد شوخی کنی، گریه می کنند. چون جنبه ندارند. افراد حالت رسوم بعضی ها هم هستند که اگر باهاشون شوخی کنی، با آجر دیالمت می کنند چون زورشان زیاد است و کسی حق ندارد باهاشون شوخی کند. مثل چی؟ مثل بعضی از صاحبان مشاغل که مثل بعضی از مدیران تا بگویند بالای چشمشان ابرو است، چشمش را درمی آورند لبه ای از تعجب.

داستان توهمین آمیز: بعضی از آدم‌ها و بعضی از مشاغل هستند که اگر بین راه و در جاده سوارات کنند، همان اول شرط می‌گذارند که اگر توهمین کنی می‌پیاچند تو می‌خاکی. شما هم اگر حرف بزنی می‌گویند توهمین کردی. اگر حرف نرزی می‌گویند خودت را توهمینی. توهمین کردی. اگر سوت بزنی می‌گویند توهمین کردی. خلاصه هرکاری کنی یا نکنی بکھو می‌گویند دیگه توهمین کردی... آیا توهمین کردیم؟

پیامک‌های صبح شنبه

بعضی وقت‌ها «خیر» در همان «خیر» است.
بعضی وقت‌ها «خیرمان» در «خیر» گفتن است.

روزنامه شرق

شنبه ۲۲ فروردین ۱۳۹۴ ۲۱ جمادی الثانی ۱۴۳۶ ۱۱ آوریل ۲۰۱۵ سال دوازدهم شماره ۲۲۷۲ ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۵:۱۳ اذان مغرب ۵۹:۱۹ اذان صبح فردا ۹:۵۰ طلوع آفتاب ۶:۴۶

روزنامہ فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

پیام برومند
payam.borumand@gmail.com



کیفیتی تمام عیار در

جشنواره صوتی و تصویری

تمام عیار



۰۲۱-۸۴۷۳۳۳ www.goldiran.ir 24/7

Pink Service 

ارائه خدمات توسط زوج تکنسین (تهران)



پشت جلد

بالانس مثبت و منفی در رسانه

پیرامون را به جامعه ارائه دهد. هم‌سبب بنابر علاقه شخصی هرروز تعداد زیادی روزنامه و وسایات خبری داخلی را می‌بینم. نمی‌توانم ادعا کنم این آگاهی در بیشتر آنها وجود دارد که چپش با گرایش اخبار در پیرامون رسانه‌های است که در بالا عرض شد و این خوب نیست. تلخ‌تر از آن رسانه‌هایی هستند که ظاهراً پول زیادی دارند و به بخش‌هایی از قدرت هم احتمالاً دسترسی دارند ولی مرتب اخبار را سامان می‌دهند که نتیجه‌اش شکاف دولت- ملت را افزایش می‌دهد. اگرچه سخن اصلی من محدود به اخبار سیاسی نیست ولی رسانه هم مثل سایر ابزارها وقتی کارکرد مطلوب دارد که از آن بهره‌برداری حرفه‌ای و درست و سالم شود، در غیراین صورت رسانه بیش از یک ابزار زبردستی نیست؛ بلکه که امروزه سه و فردا ممکن است باشد یا نباشد. درحالی که رسانه برخلاف یک فرد بی‌گروه، معمولاً باید هدف درازمدت را دنبال کند؛ هدفی که تمام‌شدنی نیست. به‌این‌ترتیب کارکرد چنین رسانه‌ای نه‌تنها موضعی و یکجانبه نیست بلکه مهم‌ترین دغدغه‌اش استواری نهادهای اساسی اجتماعی است. این نهادهای مادامی که بالاسن واقعی نیابند، از رنج‌ورزی درمی‌آیند. بیش از این در این‌باره سخن خواهم گفت.

تلاش می‌کنند اخبار منفی رقیب و نفاذ‌صفت او را برجسته کنند. در نتیجه بر اساس مکانیسم عرضه و تقاضا این اخبار بیشتر بر صدر می‌نشینند و جلوه می‌کنند. حال با این توضیح، ادعا این است: مخاطبی که به‌طور مداوم و امتدادی اخبار منفی دریافت می‌کند، روح و جانش از آن آسیب می‌پذیرد و رسانه‌ای‌ها باید برای این مسئله فکری کنند. راه‌حل برخی این بوده که آگاهانه درصدی از مطالب رسانه را از اخبار مثبت انتخاب می‌کنند. به‌این ترتیب آنها آگاهانه تلاش می‌کنند بالانس خبری را در این‌باره رعایت کنند. برخی نیز گفته‌اند نیاز مخاطب اصل اساسی حرفه آنهاست و نتیجه و پیامدش موضوع کار آنها نیست. به‌نظر من عبور بی‌تفاوت از پرسش‌های مطرح در عالم رسانه، مسئولانه نیست. به‌تجربه دریافت‌ام رسانه‌هایی که خسروانه می‌پراکنند در مجموع از عموم جامعه فاصله معناداری می‌گیرند اگرچه ممکن است به بخشی از قدرت نزدیک تر شوند. تأثیر عناصر آرام‌بخش در رسانه ناگزیر و حیاتی است. با وجود برجسته‌شدن بخشی از اخبار مهم -که بیشترشان متأسفانه ممکن است منفی و تلخ باشند- رسانه باید هشیار باشد که نباید فاصله‌اش را با واقعیت جاری در جامعه زیاد شود تا بتواند بنابر تعریف، بزبات درستی از محیط



کریم ارغندہ پور

این روزها هر رسانه‌ای را که ببینید، مشحون از خبرهای خشن و خونین و جرم و تجاوز و تضییع حقوق است. تیتُر روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها را اگر ببینید، کمتر اخبار مثبت را پوشش می‌دهند. آیا واقعیت به همین دی‌است که این اخبار در رسانه‌ها بزرگ نمایی می‌شوند؟ آیا به‌این ترتیب بدبینی مخاطبان رسانه‌ها -که عموم مردم هستند- نسبت به محیط اطراف، شامل اقتصاد و سیاست و روابط اجتماعی، جای امیدواری و خوش‌بینی را نمی‌گیرد؟ از سه سوالات این بنیادترین پرسش‌های عرصه رسانه در عصر حاضر است: از یک سو اخبار گل‌وبلبل عملاً با تعریف خبر -که انعکاس واقعی است که مردم خود را نیازمند دانستن آن می‌دانند- کمتر از اخبار جنگ و باپسامانی و دزدی و اخلاص و تجاوز و سیاهی اولویت می‌یابد. سوبه دیگر ماجرا توجیه مخاطب است که به اخبار باپسامان بیش از اخبار مثبت تمایل نشان می‌دهد و از طرف دیگر منافع بخشی از متقاضیان کسب قدرت است که

سلام به فردا

داعش؛ پرونده همچنان باز



اگر شهروندان اروپایی به گروهی چون داعش می‌پیوندند دقیقاً با این استعداد در ارتباط است. آنها که عموماً در غرب زندگی کرده‌اند و به دلیل سبک‌های شدید دچار عقده‌های فراوانی شده‌اند، جامعهٔ زمانی خود را در پیوستن به چنین گروه‌هایی می‌دانند. بنابراین نگاهی به همه این عوامل نشان می‌دهد که با وجود مخالفت همه جهان با داعش، منتفع‌شدن گروه‌های مختلف از این تروریسم خشن باعث شده پیروند داعش همچنان باز بماند و حتی در صورت از میان رفتن، با اسم دیگری متولد شود. امیدوارم جایگاه درمان و پیشگیری را تغییر دهم. وقتی که قرار باشد علاج واقع‌ها در پس از وقوع آن واگذار نشود، نتیجه‌ای جز شکل‌گیری داعش‌ها نخواهیم داشت. جوامع باید به‌صورت همیشگی به کار معاینه و بررسی وضعیت داخلی خود بپردازند و راهکارهای حل مسائل را از خبرخواهان مسلمان بخواهند. امروز فرایند چنین معاینه پیشگیرانه‌ای در برخی از کشورهای خاورمیانه تغییر کرده و متأسفانه غرب به جای پیشخوان آن کشورها در حال تصمیم‌گیری و بررسی است. شرایط کنونی ایجاب می‌کند افرادی که نسبت به دین اسلام تعهد دارند، وارد عرصه شوند تا با شناسایی عوامل به‌وجودآورنده داعشیسم، از تولد داعش‌ها پیشگیری کنند. چنین پدیده‌هایی عمیق‌تر از آن هستند که محکوم‌کردن یک یا گروهی هنرمند بتواند با آنها مقابله کند، همان به یک چاره‌اندیشی همه‌جانبه در برابر داعش‌ها نیازمند است.



بہروز غریب پور

پیشگیری‌ای را آغاز می‌کردند اما این اتفاق نیفتاد و حالا با ظهور و بروز گروه‌هایی چون طالبان، النص و داعش که همگی داعیه دفاع از حق دارند، سکوت سنجینی حکمفرما شده که به‌زودی فیتنه‌اش به انبار باروت خواهد رسید و اسلام‌هراسی را به کل دنیا می‌کشاند. اما این اسلام‌هراسی تنها حربه بازار اسلحه و شکافانداز مذهبی نیست. اروپاییانی که نگران انتخاب دین اسلام توسط فرزندانمان هستند هم باید به چنین آلهی چنگ بزنند. وقتی که در یک کشور مسیحی قلب اروپا، اسلام به دومین دین رسمی بدل شده، ترویج اسلام‌هراسی می‌تواند چاره‌ای اساسی باشد. از یاد نبریم که برخی از افراد به‌صورت درآمده داعش، اروپاییانی هستند که سال‌ها به‌دلیل تعصب مذهبی خود سرکوب و تهدید قرار گرفته‌اند. یک استعداد قابل توجه در جهان مورد بررسی قرار گرفته که بر اساس آن می‌شود از تعصب مذهبی استفاده دیگری کرد.

آکادمی

نکته‌های خوب «در حاشیه» را ببینیم



...و به صورتی آشکار به نبرد برخاسته، حال همه کاسه‌نوزها سر یک برنامه طنز انتقادی شکسته است. این اعتراض‌ها و این امضا جمع‌کردن‌ها و این نامه‌نوشته‌ها، آن روزی باید شروع می‌شد که برنامه‌های تحریری در طول یک سال و نیم گذشته، در برنامه‌های خبری و بعد از خبری ساعت‌های اصلی تلویزیون و رادیو، به بدترین لحن، پزشکان را «زیرمیزی‌گیر» و بی‌وجدان و میلیاردر و «مالیات‌پرداز» جلوه می‌دادند. الان هم جامعه پزشکی، ناخواسته و نادانسته، می‌شود چماق دست کسانی که نمی‌خواهند لبخند را بر لبان مردم بینند. اجازه ندهیم اندک آبروی باقیمانده صنف پزشکی، هم با این اقدام‌ها برود تا نگویند پزشکان، هم بی‌وجدانند و هم میلیاردر و زیرمیزی‌گیر و هم «بی‌جنبه» که جنبه طنز و نقد هم ندارند! نگارنده مدیر شبکه سه تلویزیون ما را به ریشخند بگیرد و بگوید که چرا «روحانیت» برای پخش سریال اعتراض نکرد و شما اعتراض کردید! طوری نشود که ایشان بگوید جامعه نیازمند شادی و نشاط است! انکار پزشکان مخالف شادی و نشاط اجتماع هستند!

مرزوبوم نیستم؟ مگر من در مناطق محروم طرح نگرانده‌ام؟ مگر من خدمت نکرده‌ام؟ چه تسهیلاتی برای من دارید که بتوانم کار کنم؟ چه فکری برای آینده من کرده‌اید؟

باری با کمک آن استاد و ارستاش، ملکی در حاشیه‌ای پیدا می‌کند که آنجا را بیمارستان کند و در ادامه داستان، کسی که گوشتفندی فروشد و در ایام ملکش شریفی بدون رنگ راه انداخته می‌گوید: «اینجی ملکش واسما»! قصد توهین به صاحبان هیچ شغل شریفی را ندارم، اما وقتی که یک گوشتفند چران یا یک دلال یا یک شارلاتان خواهد بشود صاحب بیمارستان و پزشکان و کادر تخصصی بیمارستان مجبور باشند در جلسات هیات مدیره، یا همان کنفرانس‌های پول و ملکشان تصمیم‌گیرنده شده‌اند، شرکت کند و حرف او را اطاعت کند؟ متولی امور صنفی پزشکان نباید احساس شرم کند؟ آقای دکتر «زالی»! درست گفتید. این سریال طنز نیست، بلکه درد است، غصه است. بیشتر از پنجاه سال است که صداوسما تخریب وسیعی را برای مخدوش کردن چهره پزشکان سازماندهی کرده و با برنامه‌های غیرپزشکی، جدی و گزارش‌های جدی مردمی، آمار و ارقام نادرستی درباره درآمد پزشکان



یاشیل احدی مقدم
جراح و دندانپزشک

حکایت زندگی یک پزشک متخصص درخشان و باوجدان جوان که تخصص نادری خوانده و خودش و خواهر پرستارش، از مال دنیا سرجمع یک پراید اوراقی دارند و نه کار دارند و نه حمایت. حکایت زندگی استاد محبوب این پزشک متخصص که مرد وارسته‌ای است و مطبش غلغله است، چون که ویزیت از مریض نمی‌گیرد؛ و مریض‌هایش به این قصد آمده‌اند که دکتر برایشان داروها و قرص‌های سفارشی‌شان را بنویسد؛ حکایت زندگی یک متخصص زبردست و ثروتمند جراحی زیبایی، که همه برایش کیسه دوخته‌اند؛ خانواده‌اش او را سرکیسه کرده و از خانه بیرون انداخته‌اند؛ مریضش شایکاش کرده و مطبش را پلمب کرده، وکیل انقلابی‌اش شارالاتان است و به بهانه‌های مختلف، او را تنگ می‌زند. حکایت زندگی یک جوان علاف بی‌مایه و بی‌استعداد که ظرف پنج سال؛ در یک دانشگاه سطح پایین در یک کشور خارجی مثل فیلیپین مدرک دکترای تخصصی گرفته و برگشته و قصد طبابت دارد. حکایت اسم رشته‌اش را بلد نیست بگوید. سواد پزشکی پیشکش! نخندید! واقعیت دارد؛ او دکتر باوجدان باسواد جوان متخصص بی‌پول، برای راه‌انداختن حرفه‌اش، سعی می‌کند پراید قراضه خواهرش را بفروشد، سعی می‌کند از اقوام ژورنمندیش پول قرض کند، به هر درمی می‌زند الا اینکه برود وزارتخانه و سازمان نظام پزشکی‌اش را بگیرد؛ عالی‌جنابان! مگر من دانشی آموخته‌گوش و کوشا و فکور؛ بااستعداد این